

برون واقع شود دل و رانفته و در دیگر باغنه و خشنه او است که اندر آن بینی لغت
هرگز که اگر کسی بیگردد با کلام در شسته باشد اظفار خشنه را بشیفته اندر او در اقسام هرگز
متضمن در کلین اراق سکت متواتر است و در کلین دنیا و بلبان و قنوان و غیر
ان که کونان با او در دیگر حکم جمع است اظفار و در جبهت تا بنشیند باغنه لغت و سبب
این است که بیخ و دانه زانهاست که بعد از این که با واقع شود جسام اضافی و این
سبب از این است که بیخ و دانه واقع شود و در اظفار لغت است و استخوان است
جبهت ظنور و از کسب اظفار بعد از خروج حروف است از آن است که در وسط اظفار
خروج است و در کسب اظفار بعد از خروج حروف است و در اظفار جبهت حروف است و در اظفار
که در این است که میان اظفار را در اقسام است که این حروف چنان فرستاده می شود
که اقسام با یکدیگر و چنان بعد از آنکه اظفار با یکدیگر در جبهت حروف که بعد از آنکه
خندان کثیر شود بود از هر یک که از قرب باشد چون بهم و کلین و یا از اجزای دیگر اظفار
و در جسمه بیخ و جبهت از اقسام کثیر حروف همی رسیده دارد اقسام باغنه و اظفار
اما اقسام بیخ و جبهت است که بهم دیگر رسیده و اظفار که به است که با بر سر و باغنه
نیز دو اقسام باغنه با یکدیگر از اقسام اظفار است و اظفار که به است که بعد از این که حروف است
و حسن که باغنه با یکدیگر از اقسام اظفار است و اظفار که به است که در کسب و در کسب
بعد از او با فایده بسیار در اظفار است که بیخ و جبهت که در این است که بیخ و جبهت است
بجبهت است که بیخ و جبهت واقع شود و اظفار که به است که در اظفار که به است که
او را اظفار با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
سکون لغت و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
را در دست باشد بعد از این که حروف استغلا باشد در حروف استغلا با یکدیگر

اگر سبب از این است که با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
باشد شکر و در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
تخمین است زیرا که بعد از این که حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب
نیز بهمی رسیده و در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
هم قرار در صلاحت و وقت و جبهت تخمین و در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب
در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
هر روز در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
اظفار که در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
همینا که متفق اند بر حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
تخمین لام و در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
منشود و با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
بالا که با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
اظفار که در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
لغت و جبهت استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
کلمه است و در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
مطلق صورت است از یکدیگر مقدار کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
آنها اظفار است که به است که در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب
وقف کردن او را در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب
وقف و در حروف استغلا با یکدیگر در کسب و در کسب و در کسب و در کسب و در کسب

بالقران العظيم وترفعنا بالايات والذكري الحكيم وتقبل منا ويرحمنا
وتجاور عنا ما كان في تلاوة القران من خطأ وينسيان **وغيره**
كلية عن مؤلفيها وقد اعيدوا واحدا او زيادة او نقصان او
تأخير على ما ائتمروا عليه او تبديلا وتبديلا واستهوا وصوت
الغائب او تعجيب عند تلاوة القران او كسبل واستهارة او ترغيب
لسان او وقف بغير قوف او ادغام بغير ادغام او اظها بغير
بيان او ملة او تشديد او هذبة او كبح او اعراض بغير ما
كتبه او قلة او كثرة وترهبة عند ايات الوجوه او ايات العذاب
فاغفر لنا ربنا واكتبنا مع الشاهدين اللهم فوتر فلو بنا
بالقران وترتين اخلاقنا بالقران وتجننا من النار بالقران
وآدجنا في الجنة بالقران اللهم اجعل القران لنا في الدنيا
قرينا وفي القبر مؤنسنا وعلى الصراط نورنا وفي الجنة رفيقا و
من النار سيرا ومجائبا والى الجنة اذليلنا واكتبنا
على التمام وارزقنا اداء العقب واللسان وحسن الخبار
والسعادة والارشاد من الاجمان وصل على خير خلقه
محمد مظهر لطفه نور من شمس سيدنا محمد واله واصحابه و
اهل واجه اجمعين وسلك تسليما كتبنا **السلامة**
الله وازدادنا يعقرب محمد بن يوسف استصرى به بعد تلاوت قران هر روز
مواظبت اين درود مستند اللهم صل على محمد واله وصحبه بعد
ما في جميع القران حرمنا فرادى بعد ذلك حيث الف الف **الله**
ملا في خارج ودرج معين العلم فذكر في هر روز بعد تلاوت قران اين دعا

اللهم

اللهم انزل من القران واجعله لي اماما ونورا وهدي و
مرشدا اللهم ذكرني في منه ما نسيت وعلمني منه ما جهلت
فانزل من قرانك نور وانه اناء البئيل والنهار واجعله حجة لي يا رب العالمين
في سنة انزل من قرانك على ابي عبد الرحمن عبد الله بن حبيب الزبير
السلي الصري وعلى ابي صريرا بن حبيش بن حياشة الاسدي وعلى
ابن عمر وسعد بن ابي السبياني وقد اهلوا ائمة على عبد الله بن
مسعود بن شاذل عنهما **الله** حرقوا على رسول الله صلى الله عليه واله وسلم ودرست
اخر ان كنت فاطمة من كفت بصوت آية نبيه فهو عامر من ابي النبي الامين من القران
كان اما ما عظم القران وكبريت عابد كثير العرفه فلو بانوا اذ انكلم لي ويحب فصاحته
ما ت بكوفته او بالساعة سنة عشرين وسبع اذ كان اوسع وحسن ومائة اذ اناب
راوية ابي السقيم **الله** ام الحسن بن سعيد بن عباس بن سالم الكوفي **الله**
تعلم القران من عامر بن محمد وقيل فتم اربعاء وحسن الف ختمه قيل لم يفرس
لرفرش من خمسين سنة ما ت بكوفته سنة ثمان وخمسين ومائة واكثر
هو حصن بن سليمان بن مغيره الاسم البرز كوفي يكنى ابا عمرو وكان رعا عام
كان ثقة وقيل هو اقرب من اكرامات بكوفته سنة ثمان وخمسين ومائة واكثر
رغمهم استندنا **الله** على ابي بركت الدين **الله** السلام للعباد واليه الرجوع واليه عطف